



روابط بین‌المللی کشورهای خاورمیانه

Louise Fawcett, *International Relations of the Middle East*, New York, Oxford University Press Inc, 2005, 356.pp

مقدمه

اهمیت روزافزون منطقه خاورمیانه، بسیاری از پژوهشگران و نظریه‌پردازان عرصه مطالعه روابط بین‌الملل را بر آن داشته است تا بخش اعظم فعالیت‌های خود را به این منطقه اختصاص دهند.

کتاب «روابط بین‌المللی کشورهای خاورمیانه» که در سال ۲۰۰۵ میلادی از سوی انتشارات دانشگاه آکسفورد به چاپ رسیده، از جامع‌ترین کتاب‌هایی است که تمرکز اصلی خود را بر حوزه خاورمیانه قرار داده است.

این کتاب که به قلم استادان برجسته روابط رشته بین‌الملل نگاشته شده و لویس فاوست آن را ویرایش کرده است، تلاش می‌کند تا ایده جامع و کاملی را برای درک روابط بین‌المللی کشورهای خاورمیانه در قرن حاضر ارائه دهد.

به دلیل آنکه خاستگاه بسیاری از جنگ‌ها و درگیری‌ها، برداشت‌های کلیشه‌ای و اشتباه متخصصین است و این برداشت‌ها هنوز به قوت خود باقی است، کتاب حاضر کوششی برای اصلاح این برداشت‌ها و تصورات غلط است؛ به ویژه آنکه توجه اصلی آن به خاورمیانه و تأمل در رشته روابط بین‌الملل در معنای گسترده آن معطوف شده است. نویسندگان کتاب با عنایت به اینکه دو حوزه روابط بین‌الملل و سیاست‌های خاورمیانه‌ای به شدت وابسته یکدیگرند، می‌کوشند نشان دهند که این کتاب نیز همچون دیگر کتاب‌های مربوط به خاورمیانه

نمی‌تواند از نقش بازیگران بیرونی در شکل‌گیری سیاست‌های اقتصادی و سیاسی منطقه غفلت ورزد. آنها همچنین نشان می‌دهند که چگونه خود منطقه می‌تواند به شکل‌گیری محیط جهانی کمک کند. به رغم پیشرفت‌ها و بررسی‌های زیاد در سال‌های اخیر در حوزه مطالعات خاورمیانه و روابط بین‌الملل، کمتر اثری توانسته است موضوعات مزبور را کنار هم بچیند و نظریه‌ای جامع در این مورد ارائه کند.

کتاب در واقع می‌کوشد با ترکیب برخی مفاهیم و اندیشه‌های کلیدی در روابط بین‌الملل و برخی موضوعات کلیدی در خاورمیانه با روشی نظام‌مند، یک رویکرد ترکیبی پیشنهاد داده و. خلاء میان این دو (روابط بین‌الملل و کشورهای خاورمیانه) را پر کند.

اگرچه واژه خاورمیانه از زمان جنگ جهانی دوم، کاربرد عمومی بیشتری پیدا کرده است ولی هنوز عده‌ای در خصوص وسعت و بزرگی آن اختلاف نظرهایی دارند. برخی آن را محدود به دولت‌های آفریقایی - عربی یعنی تا غرب مصر می‌پندارند و برخی دیگر در مفهوم وسیع‌تر، مرزهای آن را تا جمهوری‌های مسلمان‌نشین در آسیای مرکزی می‌دانند. این گستره وسیع‌تر، امروزه دولت‌های عرب آسیای غربی و آفریقای شمالی - اعضای اتحادیه عرب - ایران، ترکیه و اسرائیل را دربرمی‌گیرد. نویسندگان کتاب نیز تعریف دوم از واژه خاورمیانه را مد نظر قرار داده‌اند.

امروزه روش‌های علمی در حوزه روابط بین‌الملل که زمانی فقط جولانگاه روزنامه‌نگاران، تاریخ‌نگاران و علمای حقوق بود و تحلیل آن به روابط بین دولت‌ها محدود می‌شد، رونق بیشتری یافته، به حوزه‌های غیردولتی نیز نفوذ کرده و پا را فراتر از مرزهای دولتی گذاشته است. به بیان دیگر، رشته روابط بین‌الملل فراسوی مفهوم دولت و روابط آن با دیگر دولت‌ها مطرح شده و گستره‌ای از تعاملات میان افراد و جوامع را نیز در بر می‌گیرد. نویسندگان کتاب نیز از این تعریف پیروی کرده‌اند.

بر این اساس کتاب «روابط بین‌المللی کشورهای خاورمیانه» تلاشی است تا نشان دهد که اگرچه در قرن بیستم شاهد ظهور اندیشه‌های پان‌عربیسم و اسلام‌گرایی بوده‌ایم که از مؤلفه‌های مهم و سازنده روابط بین‌الملل بوده‌اند، ولی در قرن بیست‌ویکم هویت‌های قومی و مذهبی بر اندیشه‌های قرن بیستم اولویت یافته‌اند و به وضوح می‌توان قوی‌تر شدن برخی

دولت‌های ضعیف سابق را مشاهده کرد. برای مثال می‌توان به ظهور تروریسم و شبکه گروه‌های افراط‌گرای اسلامی اشاره کرد. نویسندگان کتاب بر این باورند که ظهور چنین گروه‌هایی و اقدامات آنها، مشروعیت بسیاری از دولت‌ها را به چالش فراخوانده و تضعیف کرده است. این امر نیروهای بیرونی را بر آن داشته تا در امور داخلی این دولت‌ها دخالت کنند. برای مثال، تشکیل چنین گروه‌ها و شبکه‌هایی در عراق و افغانستان موجب شد تا ایالات متحده در خلال سالهای ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ به این کشورها حمله کند.

همانندی‌های منطقه‌ای نیز در انواع متغیرها در کتاب حاضر مورد بررسی قرار گرفته است. «کشمکش و همکاری» در همین چارچوب مورد تحلیل قرار می‌گیرند. کشمکش، وضعیت نامناسب امور در روابط بین‌الملل است ولی همکاری با احتیاط همراه بوده و معیارهای معین و قابل مشاهده داشته و شرایط آن نیز در جای مناسب خود قرار می‌گیرند. بر مبنای فهم غالب در منطقه و آنچه در نزد افراد آکادمیک مشهود است، منطقه خاورمیانه آکنده از جنگ و کشمکش بوده است. این تفکر رایج موجب شد تا عده‌ای آنجا را به وضعیت طبیعی توماس هابز تشبیه کنند. جهانی که در آن لویاتان وجود ندارد و وضعیت آنارشی بر آن حاکم است و فقط قدرت حرف اول را می‌زند. عده‌ای نیز نظر متفاوتی دارند و بر این باورند که مردم این منطقه همواره در کنار هم زندگی کرده‌اند و با وجود مذاهب، زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف، با تساهل زیسته‌اند.

در واقع، این دیدگاه‌های مختلف برخاسته از نظرگاه‌های نویسندگان داخلی (خاورمیانه‌ای) و نویسندگان خارجی (غیرخاورمیانه‌ای) است و هر دو گروه در این کتاب سهمی دارند. بنابراین کتاب تلاشی است برای نزدیک‌تر کردن این دو دیدگاه و اگرچه در واقع می‌کوشد دو عینکی را که هر دو گروه از درون آن به مسایل خاورمیانه می‌نگرند، تبدیل به یک عینک کند. در نهایت، کتاب توجه اصلی خود را بر این نکته معطوف می‌کند که روابط بین‌الملل خاورمیانه بدون درک چارچوب‌های منطقه‌ای و بومی که دولت‌ها در آن عمل می‌کنند و در کنار هم قراردادن الگوهای همکاری و کشمکش، ناقص خواهد بود. درک این روابط، سرنخ‌های مهمی برای فهم الگوهای جنگ و صلح و روند دولت‌سازی در منطقه به دست می‌دهد.

الف. معرفی کتاب

روش‌های مختلفی برای تفسیر روابط بین‌المللی کشورهای خاورمیانه یا هر منطقه دیگر وجود دارد. این روش‌ها بازتاب‌دهنده ریشه‌های التقاطی و ترکیبی در بررسی روابط بین‌الملل هستند که برای تفسیر آن می‌توان از روش بررسی تاریخ جوامع، مردم و یا اقتصاد منطقه‌ای بهره گرفت. همچنین می‌توان از الگوهای سیاست خارجی یا دیپلوماسی استفاده کرد و یا در نهایت به رویکرد واحدی متوسل شد که شامل مطالعات موردی روابط قدرت‌های بزرگ با یک دولت خاص یا گروهی از دولت‌ها و همچنین تحلیل بحران‌ها می‌شود. در مجموع، گرایش روزافزونی وجود دارد تا در بحث‌های مرتبط با نقش هویت، امنیت، جهانی‌شدن، منطقه‌گرایی، منابع و قدرت، موضوعات و نظریه‌های کلیدی روابط بین‌الملل به حوزه خاورمیانه انتقال یابند.

در این چارچوب کتاب در سه فصل و چهارده بخش تنظیم شده است.

فصل نخست با طرح تاریخ به منزله مؤلفه محوری و اصلی فهم سیاست‌های بین‌المللی در هر منطقه می‌کوشد چشم‌اندازی تاریخی از روابط بین‌الملل در قرن بیستم ارائه بدهد. فصل دوم، موضوعات کلیدی روابط بین‌الملل، اقتصاد سیاسی و کارویژه آنها را در خاورمیانه بررسی می‌کند. در این فصل موضوعاتی همانند نفت، جهانی‌شدن، نقش ایده‌ها و هویت، دموکراتیزاسیون، مدیریت روابط منطقه‌ای و بیرونی و در نهایت الگوهای جنگ و صلح بررسی می‌شوند.

آخرین فصل کتاب، به برخی مطالعات موردی اختصاص دارد و در آن کشمکش‌های خاص منطقه‌ای و نقش بازیگران بیرونی در شکل‌گیری روابط بین‌المللی منطقه مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. از آن جمله می‌توان به منازعه اعراب - اسرائیل و تلاش‌ها برای خاتمه آن، جنگ‌های مختلف در منطقه خلیج فارس و سیاست‌های ایالات متحده و قدرت‌های اروپایی در شکل‌گیری منطقه اشاره کرد.

مطالب هر سه فصل در عین مستقل بودن، دیدگاه‌های مرتبط به هم را ارائه می‌دهند. از این رو، کتاب می‌تواند برای دانشجویان حوزه مطالعات خاورمیانه، روابط بین‌الملل و اقتصاد سیاسی بین‌الملل جذابیت و اهمیت زیادی داشته باشد. پرسشی محوری کتاب این است که

دانشجویان روابط بین‌الملل و حوزه مطالعات خاورمیانه باید کدام موضوعات را دنبال کنند؟ اگر در روابط بین‌الملل معاصر در منطقه تأملی داشته باشیم، به موضوعاتی همچون جنگ، صلح، روابط با قدرت‌های خارجی، فرآیند آزادسازی اقتصادی و سیاسی، سیاست‌های هویتی و شکل‌گیری اتحادها برمی‌خوریم که همگی اهمیت زیادی پیدا کرده‌اند. کتاب می‌کوشد به چنین موضوعاتی پاسخی مناسب بدهد. در مجموع، بخش‌های مختلف سه فصل کتاب در پی ارایه توافقی میان ویژگی‌های خاورمیانه و چشم‌اندازهای روابط بین‌الملل است.

۱. چشم‌انداز تاریخی

اویگن روگان^۱، استاد تاریخ معاصر خاورمیانه در دانشگاه آکسفورد در بخش اول، بحث خود را با بررسی ریشه‌های نظام سیاسی در دولت‌های خاورمیانه و نحوه ورود این دولت‌ها به نظام بین‌الملل آغاز می‌کند. در واقع، زمینه‌های اصلی ظهور خاورمیانه مدرن در نظام بین‌الملل قرن بیستم در این بخش بررسی می‌شوند. تحلیل پروفیسور روگان از اندیشه‌های «مکتب انگلیس» در مطالعه روابط بین‌الملل و به ویژه افرادی چون هدلی بول تأثیر پذیرفته است. آنها می‌پندارند که روابط بین‌الملل در چارچوب «جامعه بین‌الملل» قابل درک است.

ظهور خاورمیانه مقارن با ورود و شرکت برخی دولت‌ها در این جامعه بوده است. به نظر روگان به رغم ورود برخی دولت‌های خاورمیانه در جامعه بین‌الملل، آنها هنوز نتوانسته‌اند نیازهای مردم‌شان را تحقق بخشند و امروزه نابرابری‌های موجود در این منطقه، نه فقط در خاورمیانه بلکه در بخش‌های مختلف جهان متحول نیز بازتاب داشته است.

بخش دوم این فصل به قلم پیتراسلاگلیت، پروفیسور تاریخ خاورمیانه در دانشگاه یوتا نوشته شده است. وی نیز پس از مرور تاریخ جنگ سرد در منطقه به این پرسش پاسخ می‌دهد که کدام عوامل موجب شده تا تحولات منطقه‌ای در معرض نقد استادان روابط بین‌الملل قرار گیرند؟ در تاریخ‌نگاری جنگ سرد، تفاسیر سنتی از ریشه‌ها و سرچشمه‌های آن به عامل بیرونی نسبت داده می‌شود و در این رابطه واقع‌گرایی یا نگرش دولت‌محور در روابط بین‌الملل از الگوهای غالب بوده‌اند. برای مثال، سیاست ایالات متحده به عنوان واکنش به تهدید شوروی

تلقی می‌شود - و برعکس - و در چارچوب توازن قدرت و مهار شکل می‌گیرد. تفسیرهای «پسانجدید نظرطلبان»^۱ اهمیت بیشتری به نقش بازیگران داخلی یا کارگزار منطقه‌ای در شکل‌دهی به حوادث می‌دهند. به باور پیتراسلاگت، رئالیسم به قدرت تبیینی اهمیت بیشتری می‌دهد. او به نظریه‌ای اشاره می‌کند که بر مبنای آن سیاست قدرت و نفوذ که در دل ساختار نظام تک‌قطبی جای دارد تا حد زیادی تعیین‌کننده رفتار اجزای خویش است. خاورمیانه در زمان جنگ سرد بسیار مستعد نفوذ و فشار ابرقدرت‌ها بود. در این خصوص، اسلاگت به مطالعه موردی عراق می‌پردازد که سیاستمداران و روشنفکرانش در زمان جنگ سرد به شدت تحت تأثیر سیاست‌ها و ایدئولوژی‌های شوروی سابق و آمریکا قرار گرفتند.

آخرین بخش فصل نخست را پروفسور باگات کرانی^۲، استاد علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در دانشگاه‌های قاهره و مونترال نوشته است. این بخش به دوره پس از جنگ سرد اختصاص دارد. در تداوم دو بخش گذشته که به تحولات و حوادث مهم تاریخی اختصاص داشت، بخش سوم نیز گامی به سوی تحلیل و روایت تاریخی و به مثابه مقدمه‌ای بر موضوعاتی است که در عرصه روابط بین‌الملل معاصر در خاورمیانه رواج دارد. از این‌رو، این بخش پیونددهنده بخش‌های اول، دوم و سوم است.

کرانی تلاش می‌کند «لنزهای مفهومی پس از جنگ سرد» را از هم تفکیک کند. وی برای این منظور می‌کوشد به پرسش‌های مربوط به نفت، الگوهای جنگ و صلح، پدیده جهانی شدن و خطوط سیاست - مذهب و به تمامی موضوعاتی که در بخش‌های بعد به آنها اشاره می‌شود، به نوعی پاسخ دهد.

۲. موضوعاتی در روابط بین‌الملل و اقتصاد سیاسی

در این فصل، برخی موضوعات کلیدی روابط بین‌الملل و اقتصاد سیاسی بین‌الملل مورد بررسی قرار می‌گیرد. گیاکومو لوسیانی^۳ و کلمنت هنری^۴ دو تن از استادان برجسته اقتصاد سیاسی و روابط بین‌الملل در این فصل دو موضوع مهم نفت و جهانی شدن را بررسی می‌کنند.

1 . Post - Revisionist

2 . Bagat Korany

3 . Giacom Luciani

4 . Clement Henry

منطقه خاورمیانه به لحاظ اقتصاد سیاسی با معضلات مهم و اساسی مرتبط با این دو موضوع روبروست.

لوسیانی، استاد برجسته اقتصاد سیاسی در دانشگاه جان هاپکینز در بخش چهارم تلاش می‌کند به مسأله همیشگی و گریزناپذیر نفت که تمامی کشورها به نوعی با آن در ارتباطند، بپردازد. اگر نفت محور بحث‌های مرتبط با سیاست‌های بومی منطقه باشد، در آن صورت در مرکز بحث‌های مرتبط با روابط بین‌الملل نیز قرار دارد. لوسیانی در این فصل روابط الزام‌آور نفت و تکامل نظام دولت مدرن را بررسی و خاطر نشان می‌کند که در حالی که قدرت‌های بیرونی همواره در محاسبات سیاست خاورمیانه از نفت بهره جسته‌اند، دولت‌های عرب در سیاست‌های خارجی کمتر بدان توجه کرده‌اند. نویسنده در این فصل با عنایت به سیاست‌های بومی و با بهره‌گیری از مدل دولت رانتیر نشان می‌دهد که چگونه نفت درآمدها را هم در دولت‌های نفت‌خیز و هم عاری از نفت، تنظیم و تعیین می‌کند. از این رو منبع نفت از اهمیت خاصی برخوردار است، زیرا هم به تعیین توازن منطقه‌ای قدرت کمک می‌کند و هم رفتار قدرت‌های بیرونی را نسبت به منطقه مشخص می‌کند.

کلمنت هنری، استاد حکومت‌داری در دانشگاه تگزاس در بخش پنجم کتاب، اقتصاد سیاسی منطقه را از منظرهای مختلف بررسی می‌کند. وی با اشاره به اینکه نفت اهمیت زیادی در منطقه دارد و می‌تواند نقش مهمی در سیاست‌گذاری‌های آن ایفا کند؛ این موضوع را «برخورد جهانی‌شدن‌ها» می‌نامد. از نظر وی، خاورمیانه میدان نبرد دیدگاه‌های ستیزه‌جویانه در خصوص نظم جدید جهانی است، نکته‌ای که در بخش‌های دیگر کتاب حاضر بیشتر مورد بحث قرار می‌گیرد. نظریه کلمنت هنری مانند نظریه برخورد تمدن‌هاست که ساموئل هانتینگتون آن را مطرح کرد؛ ولی آنچه هنری مطرح می‌کند به نگرش جهانی ایالات متحده در وضعیت کنونی مربوط است که برخلاف «مؤلفه‌های چندجانبه جهانی‌شدن» است. دولت‌های خاورمیانه در حالی وارد این منازعه می‌شوند که با اعمال و پیامدهای مخالفت‌های درونی نیز در ستیزند. این بخش در نهایت به پیشینه و پیامدهای چهره‌های مختلف جهانی‌شدن و مکانیسم‌های مختلف به کار رفته از سوی دولت‌های خاورمیانه می‌پردازد.

پروفسور ریچارد نورتون، استاد دپارتمان مردم‌شناسی و روابط بین‌الملل در دانشگاه بوستون نویسنده بخش ششم کتاب است. وی در این بخش می‌کوشد از ملاحظات آزادسازی اقتصادی فراتر رفته و به پرسش‌های مرتبط با اصلاحات سیاسی بپردازد. ریچارد نورتون در تحلیل معضله‌بودن دموکراتیزاسیون که او نام مناسب آن را «معمای اصلاحات سیاسی» می‌نامد، بر این باور است که منطقه گرفتار گرایش‌های بیرونی جهانی است. وی از به کارگیری واژه استثنانگرایی^۱ خودداری می‌کند ولی بر این واقعیت تأکید دارد که جهان عرب در مواجهه با دموکراتیزاسیون ضعیف بوده است. در بخش‌های بعدی نیز اقتصاد سیاسی دولت‌ها، تداوم کشمکش، ماهیت رژیم‌های فعلی و ابهام در روابط میان دموکراسی و اسلام مورد مطالعه قرار می‌گیرد. به نظر نورتون اسلام و دموکراسی رابطه‌ای به ضرورت متناقض ندارند. وی معتقد است که مشخصه گفتمان اسلامی مشارکت و تکثر است نه عدم تساهل و سختی. علاوه بر این، ایده جامعه مدنی در بسیاری از دولت‌های منطقه ظنین انداخته است. در عین حال پاسخ غرب به اصلاحات سیاسی تا کنون چندان گرم نبوده و ثبات را بر دموکراسی ترجیح داده است. شواهد در منطقه خاورمیانه نشان می‌دهند که مردم حکومت بهتر می‌خواهند؛ فارغ از نوع حکومتی که ممکن است بر سر کار بیاید. از منظر روابط بین‌الملل، این پرسش به دلیل بحث‌های بسیار بر سر روابط میان دموکراسی‌ها و صلح که از دید باز وجود داشته و نویسندگان به آن اشاره داشته‌اند، از اهمیت زیادی برخوردار است.

بخش هفتم کتاب که به قلم پروفسور ریموند هینه‌بوش، پروفسور روابط بین‌الملل و سیاست‌های خاورمیانه در دانشگاه اس.تی. اندرسن اسکاتلند نوشته شده، به ارایه نکاتی مهم در خصوص قدرت تبیینی و محدودیت‌های هویت در درک منطقه می‌پردازد. اهتمام به نقش ایده‌ها و هویت در روابط بین‌الملل را می‌توان در آثار مکتب «سازه‌انگاری» مشاهده کرد. آثار کسانی چون میشل بارنت و دیگران در مورد خاورمیانه از منظر سازه‌انگاری در روابط بین‌الملل کمک مهمی به این بحث‌ها کرد. هینه‌بوش نشان می‌دهد که چگونه جریان عرب‌سیم افول کرد و اسلام به موقعیتی مشابه فراملی یا ابرملی دست یافت. اما او در اهتمام صرف به اندیشه‌ها محتاط است و خاطر نشان می‌سازد که علت‌های «مادی» هویت در کنار عوامل دیگر، نظم

منطقه‌ای و پایداری نسبی نظام دولت را تعیین می‌کنند. پان‌عربیسیم و اسلام هر دو به تصرف دولت‌ها و رهبران منطقه درآمده و اشکال متمایز ملی به خود گرفته‌اند؛ به بیان دیگر تأثیر آنها محدود به محدودیت‌های بیرونی و داخلی موجود است.

بخش هشتم کتاب نیز به هویت اختصاص دارد. این بخش توسط ویراستار کتاب یعنی لویس فاوست نویسنده کتاب «ایران و جنگ سرد» نوشته شده است. خانم فاوست در این بخش، چشم‌اندازی از دینامیسم متحول همکاری و اتحاد در منطقه را تشریح می‌کند. بر این اساس منطقه‌گرایی در کنار رویکردهایی از روابط بین‌الملل بررسی می‌شود که تمرکز اصلی خود را بر نقش ایده‌ها و نیز کارگزاران داخلی و بیرونی در تبیین تلاش‌های مختلف برای اجماع و همکاری بر سر موضوعات اصلی معطوف کرده‌اند. در بررسی مقایسه‌ای تلاش‌های تاریخی برای همکاری این بخش تناسب ضعیفی را بین واقعیت‌های منطقه‌ای و دغدغه‌های نوع روابط بین‌الملل سنتی نشان می‌دهد. عوامل گوناگون در سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی ترکیب می‌شوند تا پیشینه ضعیف منطقه را در چارچوب رژیم موفقی یا نهادسازی تشریح کنند.

بخش نهم کتاب یا آخرین بخش فصل دوم، تمرکز خود را بر تحلیل معضل امنیتی منطقه معطوف کرده است. این بخش را جانیس اشتاین، استاد مدیریت کشمکش و مدیر مرکز مطالعات بین‌المللی در دانشگاه تورنتو نوشته است. وی در آرایه چشم‌انداز خود در خصوص پوشش‌های جنگ و صلح در منطقه به بررسی موانع حل و فصل کشمکش منطقه‌ای می‌پردازد و تأکید می‌کند که پیش از آنکه خاورمیانه بتواند برنامه جدید و گسترده امنیتی را بپذیرد باید به این موانع توجه کرد. خانم اشتاین با اشاره به مطالعات موردی منازعات اعراب و اسرائیل برخی کاستی‌های تحلیل واقع‌گرایانه را تشریح می‌کند. استراتژی‌های بازدارندگی که بر قدرت برتر نظامی مبتنی‌اند، دیگر نمی‌توانند از جنگ جلوگیری کنند و این در حالی است که نارضایتی‌های عمیق هنوز به قوت خود باقی است. فشارهای داخلی و محدودیت‌ها، توازن‌های نظامی و تصمیم‌های مربوط به جنگ در منطقه را تعیین می‌کنند و مادامی که قرارداد جدیدی میان مردم و حکومت‌هایشان شکل نگیرد، این کار ادامه می‌یابد.

۳. بازیگران و مسایل کلیدی

در حالی که خانم جانیس اشتاین به ابزارهای روابط بین‌الملل برای تحلیل ماهیت معضل امنیتی منطقه می‌پرداخت، دو بخش نخست فصل سوم مستقیماً به موردی می‌پردازد که در روابط بین‌الملل خاورمیانه مدرن مهمترین موضوع مورد ستیز بوده‌اند؛ یعنی منازعه اعراب و اسرائیل و تلاش برای حل و فصل و خاتمه دادن به آن.

بخش دهم کتاب به قلم پروفسور چارلز اسمیت، استاد تاریخ خاورمیانه در دپارتمان مطالعات خاور نزدیک در دانشگاه آریزونا به رشته تحریر درآمده است. چارلز اسمیت در این بخش جنبه‌های مختلف کشمکش - نظامی، سیاسی و اقتصادی - را بررسی می‌کند. همگام با دیگر بخش‌های کتاب و موضوعات مطرح شده در آن، وی نشان می‌دهد که چگونه رئالیسم و سیاست‌های هویت، دیدگاه‌های دولت‌های مختلف را شکل می‌دهد. حتی نقطه اوج کشمکش، یعنی جنگ ۱۹۶۷ بیشتر به هویت اعراب مربوط بود تا به منازعه با اسرائیل. در حالی که سیاست‌های اعراب به نحو چشمگیری واقع‌گرا بود، بحث در اسرائیل حول محور هویت ستیزه‌جویانه دولت یهود جریان داشت.

بخش یازدهم کتاب بر مبنای این پیش‌زمینه و به قلم پروفسور آوی سلایم، استاد روابط بین‌الملل در دانشگاه آکسفورد به رشته تحریر درآمده است. وی در بخش حاضر به بررسی مجموعه مذاکرات در اوایل دهه ۱۹۹۰ که منجر به قراردادهای اسلو (۱۹۹۳) گردید، می‌پردازد که نخستین تلاش‌های جدی برای حل صلح‌آمیز این کشمکش بوده است. این رویدادها که بر چشم‌انداز منطقه‌ای سایه افکنده و تصورات بین‌المللی را شکل داده‌اند، به طور مفصل در این بخش تشریح می‌شوند. این شرح نه فقط به درک ما از ماهیت و جهت‌گیری سیاست‌های خاورمیانه کمک می‌کند بلکه جایگاه این سیاست‌ها را نیز در نظم گسترده بین‌المللی که در دوره اول ریاست جمهوری بوش مطرح شد، مشخص می‌کند. در آغاز به نظر می‌رسد که این قراردادها نشاتگر ظهور نوعی نظم بین‌المللی لیبرال‌محور بود؛ ولی به زودی زمینه‌های شکست آن در خاورمیانه و جاهای دیگر آشکار شد. چنانکه آوی سلایم در جملات زیر تشریح می‌کند، سیاست‌های داخلی بخشی از این موضوع را تشکیل می‌دهند:

«با فرض برتری و سلطه اسرائیل در توازن منطقه‌ای قدرت، تنها راهی که می‌توانیم صلح را حفظ کنیم دخالت مداوم بین‌المللی است. همانند پایان جنگ سرد، وعده نظم جدید بین‌الملل در خاورمیانه سطحی، زودگذر و منوط به تأثیر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای غالب خواهد بود.»

گریگوری گاوس در بخش دوازدهم توضیح می‌دهد که دولت‌های خلیج فارس در غلبه بر معضلات امنیتی خویش موفقیت کمتری داشته‌اند. وی در نگاه به پویش‌های متحول سیاست بین‌الملل در این منطقه مهم، سیاست‌های دو بازیگر اصلی یعنی عراق و عربستان سعودی و روند دخالت فزاینده ایالات متحده را بررسی می‌کند. در مورد بازیگر اول، ابزار رئالیسم کلاسیک یعنی توازن قدرت فقط می‌تواند تا حدی جایگاه دولت‌های منطقه را تبیین کند. چارچوب داخلی و تعامل (مثبت یا منفی) آن با تأثیرات بین‌المللی و نیز با بازیگران بیرونی برای درک چارچوب‌های مختلف که بازیگران محلی در آن عمل می‌کنند مهم است. با فرض اینکه امنیت رژیم هنوز دولت‌ها را در سیاست‌های خارجی‌شان تحت تأثیر قرار می‌دهد، نیاز برای مدیریت تهدیدهای درونی و بیرونی الزام‌آور و گریزناپذیر است. بازیگران بیرونی در کمک برای مقابله با چنین تهدیدهایی نقش مهمی ایفا می‌کنند. گاوس از مورد عراق استفاده می‌کند تا نشان دهد که چگونه چنین تهدیدهایی به اقدامات عملی منتهی می‌شود ولی در عین حال خاطر نشان می‌کند که سعودی‌ها در برقراری توازن نیاز برای جلب حمایت آمریکا و دیگر نیروهای قدرتمند فراملی یا داخلی با چه مشکلاتی روبرو هستند.

مایکل هادسون، پروفیسور مطالعات عرب و استاد روابط بین‌الملل در دانشگاه جورج تاون در بخش سیزدهم، برخی از موضوعات پیشین کتاب را در خصوص سیاست ایالات متحده نسبت به منطقه دنبال می‌کند. وی این مطالعه را با مروری بر ریشه‌ها و تحولات قرن گذشته در خاورمیانه آغاز می‌کند. پس از آن هادسون ضمن نقد صریح رئالیسم، رابطه متقابل نهادهای مختلف بومی در ایالات متحده و رفتار سیاست خارجی این کشور را که خود را در انقلاب نئومحافظه‌کاران متجلی ساخت بررسی می‌کند. هادسون مدعی است که تاریخ داستان متفاوتی را روایت می‌کند. ایالات متحده دولتی بود که موفق شد از داغ ننگ سیاست‌های قدرت بزرگ در برابر دو رقیب اصلی‌اش (روسیه و بریتانیا) دوری کند. به رغم محدودیت‌های آشکار

ژئوپلیتیکی که بر دیدگاهها و سیاست‌های دولت‌های مختلف آمریکا در طول جنگ سرد تأثیرگذار بود، ایالات متحده ثابت کرد که در بسیاری از کشمکش‌های مختلفی که روی داده، میانجی‌گر اصلی بوده است. الگویی که در پایان جنگ سرد تقویت شد. عوامل کنونی در سیاست خارجی آمریکا که ریشه در اتحاد‌های جدید در حکومت و جامعه دارند، به گونه‌ای دیگر نگاه می‌کنند. آنها بر این باورند که می‌توانند در عراق نوعی معماری جدید منطقه‌ای و امنیتی بنا کنند. موفقیت یا شکست چنین پروژه‌ای نه فقط به محیط منطقه‌ای بستگی دارد بلکه از توازن دقیق نیروهای داخلی ایالات متحده نیز تأثیر می‌پذیرد.

بخش چهارم و نهایی کتاب به بررسی توسعه و تحول رویکردهای اروپایی نسبت به خاورمیانه اختصاص دارد. این بخش را پروفسور روزی ماری هالیس، رییس برنامه خاورمیانه در مؤسسه رویال امور بین‌الملل در لندن نوشته است. پرسش اصلی در این بخش این است که چگونه اروپا می‌تواند بر الگوهای سیاست و تحول در خاورمیانه تأثیر بگذارد؟ چرا اروپا از یک غول اقتصادی در این منطقه که در آن نفوذ و منافع دیرپایی دارد، تبدیل به یک کوتوله سیاسی شده است؟

رنالیسم نهادهایی همچون اتحادیه اروپا را نسبتاً بی‌اهمیت می‌داند. با این حال قدرت‌های متوسط می‌توانند بر نتایج در روابط بین‌الملل تأثیرگذار باشند و دولت‌های خاورمیانه، اروپا را به گونه‌ای بنگرند که این تأثیر بتواند هم در چارچوب هنجاری و هم سیاسی توازنی را برقرار کند. این نیروی بالقوه در برنامه مشارکت اروپا - مدیترانه در سال ۱۹۹۵ مشاهده شد که سنگ بنای تحولات آتی در همکاری منطقه‌ای است. همانطور که روزمری هالیس ابراز می‌کند، مشکل اروپا ریشه‌ای نیست و به اختلافات با آمریکا نیز بازمی‌گردد؛ مشکل این اتحادیه درونی است و به اتخاذ سیاست و دیدگاهی مشترک و یکپارچه مربوط می‌شود.

نتیجه‌گیری

کتاب «روابط بین‌المللی کشورهای خاورمیانه» حاوی نتیجه‌هایی نیست؛ بلکه هر کدام از بخش‌ها نتیجه‌گیری خاص خود را دارد. مطالعه موردی اروپا می‌تواند در خصوص کشمکش و همکاری الگوی مناسبی باشد. اروپا تنها منطقه‌ای در جهان است که اختلافات و رقابت‌های

عمیقی را شاهد بوده و اعضای آن با همکاری و مشارکت بر این اختلافات فائق آمده‌اند. از این‌رو، در پایان کتاب اشاره شده که الگوی اروپا می‌تواند در مناطق کشمکش‌زای دیگر جهان نیز به کار رود.

هدف اساسی کتاب ارایه جامع و کامل «موضوعات جهانی و منطقه‌ای» در تحلیل خاورمیانه است. موضوعی که تمامی بخش‌های کتاب را به هم پیوند می‌دهد این است که اگر زبان خاورمیانه تا حدی برای استادان روابط بین‌الملل بیگانه و ناآشنا مانده است، بدان دلیل است که زبان روابط بین‌الملل نیز برای دانشجویان منطقه بیگانه مانده است. نویسندگان کتاب به شیوه‌های مختلف، مشکلات پیش‌رو در گردهم‌آوردن دو رشته را خاطر نشان می‌سازند ولی هر کدام به شیوه خود فضایی را برای گفتگو پیشنهاد می‌کنند. تداوم این گفتگو و اتکا بر آن می‌تواند به پیشبرد پروژه ورود روابط بین‌الملل به خاورمیانه کمک کند. دو رویکرد نظری - رئالیسم و سازه‌انگاری - به طور دقیق در این کتاب مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در کنار آن رویکردهای معطوف به سطح داخلی در تبیین جنبه‌های مختلف سیاست بین‌الملل در منطقه نیز مطرح می‌شوند. همان‌طور که بحث‌های پیشین نیز نشان داد، این کتاب درصدد ارایه تحلیلی مشخص یا مسیر واحدی برای درک روابط بین‌المللی کشورهای خاورمیانه نیست. بلکه، هدف کتاب عمدتاً ارایه انواع چشم‌اندازها و رویکردها و نیز نظرات استادان آشنا به روابط بین‌الملل و خاورمیانه برای خوانندگان و دانشجویان است تا پیچیدگی منطقه و نیز تعاملاتش را با نظام بین‌الملل بهتر درک کنند.

عسگر قهرمانپور

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



ثرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انسانی